

باسمه تعالی

موضوع: آثار تربیتی مرگ اندیشی در زندگی فردی

نویسنده: راضیه منفرد اصطهباناتی*^۱

فائزه مویدی

چکیده

مرگ به معنای نابودی و از دایره هستی خارج شدن نیست، بلکه عبارت است از؛ تغییر حالت برای بدن و جدایی روح از آن. در مکتب اسلام حقیقت و هویت مرگ، نیستی و فنا نیست، بلکه آغاز زندگی تازه‌ای است که با عبور انسان از این جهان به جهان دیگر روی می‌دهد. در متون و بینش اسلامی تعبیرات مختلفی پیرامون حقیقت مرگ وجود دارد که از آن جمله: مرگ پلی برای انتقال به عالم آخرت، مرگ مانند کندن لباس از تن است، مرگ مانند خواب است و همانند بوی خوش و یا نیش زدن افعی است. یاد مرگ آثار فردی مختلفی دارد، که از آن جمله: کاستن از شهوت و سرکشی‌های نفس، دوری از تکبر، از بین رفتن آرزوهای طولانی، بی رغبتی به دنیا، جلوگیری از انجام کارهای بیهوده، تحمل بلاها و مصیبت‌ها، تنبه و بیداری، ایجاد روحیه قناعت، زیرکی انسان، انجام فریضه وصیت و مبادرت برتوبه. راه‌هایی برای تقویت مرگ اندیشی وجود دارد تا انسان به واسطه آن بتواند به آثار یاد مرگ دست پیدا کرده و از پیامدهای چون؛ طغیان غرایز، بدینی به خداوند، آماده نبودن برای مرگ و فراهم‌سازی عذاب آخرت در دنیا، دوری کند، از آن جمله؛ اندیشه در سرنوشت و مرگ دیگران، مطالعه پیوسته آیات و روایات مربوط به مرگ، شرکت در تشییع جنازه و زیارت اهل قبور. این تحقیق بر اساس نگرش بنیادی، راهبرد توصیفی و راهکار کتابخانه‌ای می‌باشد.

کلید واژه ها: تربیت، مرگ، مرگ اندیشی، زندگی فردی، حیات.

^۱ * طلبه سطح ۲، حوزه الزهرا(س) شیراز، ۰۹۳۳۵۳۱۰۲۱۷

مقدمه

بشر، از آغاز برای شناخت مرگ، تلاش و کوشش بسیار نموده و همواره علاقه داشت بداند این چیست که پرونده‌ی حیات آدمی را می‌بندد و به زندگی او خاتمه می‌دهد؟

عده‌ای مرگ را امری عدمی می‌دانند که لحظه‌ی مرگ لحظه وداع با همه چیز است، لحظه‌ی پایان راه زندگی است، لحظه‌ی بیگانگی ابدی و حیاتی مطلق از این جهان و تجزیه و بازگشت موارد ترکیبی بدن انسان به عالم طبیعت است.

عده‌ای دیگر مرگ را یک واقعیت موجود می‌دانند، که لحظه‌ی مرگ لحظه تولد ثانوی است، یعنی؛ بیرون شتافتن از رحم دنیا به جهان وسیع و پهناور دیگر، پاک شدن از غم‌ها، رنج‌ها، دروغ‌ها و بی-عدالتی‌ها و هر آنچه در این جهان محدود و زندگی پر درد سر رخ می‌دهد.

تمام ادیان آسمانی به زندگی پس از مرگ معتقد بوده‌اند و این عقیده از اساسی‌ترین روش‌های تربیتی مکتب‌های آسمانی است. در این میان مکتب اسلام از آغاز بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه و اله وسلم بسیار جدی و اندیشمندانه از مرگ و زندگی پس از آن، سخن به میان آورده و حقیقت و هویت مرگ را نه تنها نیستی نمی‌داند بلکه آغاز زندگی‌ای می‌داند که با عبور انسان از این جهان به جهان دیگر روی می‌دهد. بر این اساس تمام خوشی‌ها و تلخی‌های زندگی پس از مرگ در جهان آخرت به عملکرد آدمی در این جهان پیش از مرگ وابسته است.

اولیای خدا درباره یاد مرگ سفارش بسیار کرده‌اند و فرموده‌اند، که یاد مرگ می‌تواند در افراد با ایمان و آگاه مفید و تاثیر گذار باشد، اخلاقشان را اصلاح کند، آنان را از گناه و ناپاکی مصون دارد و موجبات رستگاری و سعادت آن‌ها را فراهم کند و به طور خلاصه؛ یاد مرگ موجب استفاده از فرصت-ها، دوری از شهوات، خودسازی، عبادت، توبه و بازگشت به سوی خداوند می‌باشد و باعث می‌شود تا لذت‌های زودگذر دنیا و سختی‌ها و مصیبت‌های آن در نظر انسان کوچک شوند.

یاد مرگ موجب می‌شود، انسان بر اثر غفلت در امور مادی و دنیوی، اسراف و زیاده روی نکند و در مسیر کسب تعالی اخلاق، که سرشت انسان است قدم بردارد، نه در راه فساد و تباهی، از گذشتگان درس عبرت بیاموزد و از این سرنوشت اجتناب ناپذیر پند و اندرز گیرد و به این وسیله خویش را از گناه و تجاوز به حقوق دیگران مصون دارد.

در راستای این موضوع کتاب‌های مختلفی نوشته شده از جمله:

- ۵۰ درس پیرامون عالم پس از مرگ، تالیف حجت الاسلام دکتر حبیب الله طاهری؛ این کتاب ارزشمند پیرامون سیری در جهان پس از مرگ می‌باشد، که مولف محترم، آن را با سبکی خاص و قلمی روان تحت عنوانی در شش بخش و پنجاه درس به رشته تحریر درآورده است و به سوالات و

شباهت قابل توجه پاسخ‌هایی مناسب داده است. در این اثر بخشی وجود دارد درباره مرگ و مباحث مربوط به آن، ولی امتیاز مقاله حاضر این است که، آثار فردی مرگ اندیشی و پیامدهای آن را به صورت نسبتاً کامل بیان کرده است.

- احتضار و عالم قبر، اثر حجت الاسلام مسعود عالی؛ این مجموعه سلسله مباحثی است که طی حدود یک سال و نیم در روزهای یکشنبه در برنامه سمت خدا با عنوان یاد مرگ مطرح می‌شده و به درخواست بسیاری از بینندگان محترم به صورت کتابی به نگارش در آمده است. در این اثر از مباحث پس از مرگ از هنگام احتضار، قبض روح تا عالم قبر و برزخ و مراحل قبل از قیامت تا علائم قیامت و نفخ صور و مواقف و عقبات آن را شامل می‌شود. اما علت تمایز این مقاله بیان پیامدهای دوری از مرگ اندیشی و راه‌های تقویت آن می‌باشد.

- طعم مرگ، تالیف مهدی فربودی؛ در این کتاب نویسنده مباحثی در باب مرگ در ۷ فصل بیان کرده اما؛ در مقاله حاضر به آثار فردی مرگ اندیشی و پیامدهای دوری از آن اشاره شده است. در این راستا این مقاله برآن است که ابتدا حقیقت مرگ اندیشی در بینش اسلامی و تعاریف معصومین (علیه السلام) را در قسمتی به نام مفهوم شناسی بیان کند و در قسمت دوم آثار فردی مرگ اندیشی و پیامدهای دوری از آن را مطرح کند و در نهایت راه‌های تقویت مرگ اندیشی را بیان کند تا انسان آثار مرگ اندیشی را بشناسد و مصمم شود که به واسطه راه‌هایی، یاد مرگ را در خود تقویت کرده تا دچار پیامدهای دوری از آن نشود و از خواب غفلت بیدار شده و در پی آن باشد که، خود را اصلاح کند تا به مقام بالای انسانیت برسد.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- ماهیت مرگ

مرگ، جز جدایی روح از بدن و انتقال آن به عالم برزخ نیست و می‌توان گفت: هویت و حقیقت روح که حقیقت راستین انسان را تشکیل می‌دهد، یک امر مادی نیست، تا زندگی برزخی را بتوان یک زندگی مادی دانست و در این باره باید گفت: روح انسان، هویتی غیر مادی دارد و حقیقتی است مجرد از ماده. آری؛ مرگ به معنای نابودی و از دایره هستی خارج شدن نیست، بلکه عبارت است از؛ تغییر حالت برای بدن و جدایی روح از آن. (مازندرانی، ۱۳۸۷، ص ۳۷)

۱-۲- تقدیر مرگ و فلسفه آن

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ؛ این ماییم که مرگ را بین شما مقدر کرده‌ایم و کسی نیست که از تقدیر ما سبقت بگیرد" (سوره واقعه: ۶۰)

وقتی خدای تعالی به انسان هستی می‌دهد، هستی محدود می‌دهد، از همان اولین لحظه تکوینش

تا آخرین لحظه زندگی دنیائیش و تمامی خصوصیات که در طول این مدت به خود می‌گیرد و رها می‌کند، همه از لوازم آن محدودیت است، که یکی از آن خصوصیات هم مرگ است، پس مرگ انسان مانند حیاتش تقدیری از خداست، نه این که خدا نتوانسته انسان را برای همیشه آفریده باشد.

خداوند می‌فرماید: "عَلَىٰ أَنْ نَبْدَلَ أَمْثَالَكُمْ وَ نُنَشِّئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ خلقت ما بر اساس تبدیل امثال ماست" (سوره واقعه: ۶۱)، طبقه‌ای بمیرند و جا برای طبقه دیگر باز کنند و نیز بر این اساس است که، بعد از مردن شما وقتی دیگر ورای خلقت ناپایدار دنیوی به شما بدهیم، پس مرگ عبارت است از؛ انتقال از خانه‌ای به خانه دیگر از خلقتی به خلقتی بهتر، نه این که عبارت باشد از انعدام و فناء. (امین، ۱۳۸۹، ص ۱۹)

۱-۳- حقیقت مرگ در بینش اسلامی

با مراجعه به آیات قرآن و روایات اولیای دین (علیهم السلام) روشن می‌گردد که مرگ، در بینش اسلامی، امری وجودی و اصیل و همانند زندگی، یکی از مخلوقات الهی است. به تعبیر دیگر مرگ و زندگی، دو امر وجودی متضادند، نه نقیض یکدیگر، لذا در آیه شریفه قرآن، "موت و حیات" دو مخلوق به شمار آمده و هر دو، وسیله آزمایش بشر، معرفی شده‌اند، چنانکه می‌فرماید: "الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاتِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ؛ او خداوندی است که مرگ و حیات را آفریده برای آن که شما را امتحان نماید، تا کدامتان نیکوکارترید و اوست ارجمند آمرزنده" (سوره ملک: آیه ۲) امام علی (علیه السلام) در نامه‌ای که به امام حسن مجتبی (علیه السلام) نوشته‌اند، فرموده‌اند: "بدان مالک مرگ، همان خدایی است که مالک حیات است و آفریدگار، همان کسی است که می‌میراند". (دشتی، ۱۳۹۰، ص ۳۷۴)

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: "الْحَيَاةُ وَ الْمَوْتُ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ الْمَوْتُ فَدَخَلَ فِي الْإِنْسَانِ لَمْ يَدْخُلْ فِي شَيْءٍ إِلَّا وَ قَدْ خَرَجَتْ مِنْهُ الْحَيَاتُ؛ حیات و مرگ، دو مخلوق از آفریده‌های خداوند هستند، موقعی که مرگ فرا می‌رسد و آدمی راه می‌یابد به هیچ یک از اعضا و اجزای بدن وارد نمی‌شود جز آن که حیات از آن خارج می‌گردد". (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۵۹)

در این حدیث، امام (علیه السلام) نخست از آفرینش مرگ و حیات، سخن گفته و هر دو را امری وجودی و مخلوق خالق توانا خوانده و سپس چگونگی نفوذ مرگ را در اعضا و اجزای بدن زنده به گونه‌ای توصیف کرد، که خواب در اعضای بدن انسان بیدار، نفوذ می‌کند. و بالاخره، ضدیت آن را با حیات نشان داده است، نه نقیض بودن آن‌ها را. (طاهری، ۱۳۸۶، ص ۱۶۱)

بهترین شاهد برای این که موت در بینش الهی، امری وجودی است، این است که در آیات متعدد از مرگ تعبیر به "وفات" شده است؛ زیرا وفات و توقا به معنای گرفتن شیء به تمام و کمال است، لذا

از گرفتن جان به وسیله ملک الموت یا خدا و یا ملائکه دیگر، تعبیر به "توفی" شده است، مثل: "قُلْ يَتَوَفَّيْكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ؛ ملک موت، به طور کامل جان شما را قبض کرده و سپس به سوی خدای بزرگتان باز می‌گردید." ((سوره سجده: آیه ۱۱))

۱-۴- تعاریف مرگ در کلمات معصومین (علیه السلام)

۱-۴-۱- مرگ پلی برای انتقال به عالم آخرت

در بعضی از روایات مرگ به عنوان "پل" برای عبور از عالم دنیا به عالم عقبی معرفی شده است؛ چنان‌که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: "دنیا زندان مومن و بهشت کافر است و مرگ پلی است که آنان را به بهشت و اینان را به دوزخ می‌رساند."

امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا و به هنگام شدت گرفتن جنگ، در رابطه با حقیقت مرگ برای یارانش، از مرگ تعبیر به "قنطره: پل" نمود، که دوستان از آن عبور کرده و به بهشت منتقل می‌شوند و دشمنان نیز با عبور از آن وارد جهنم و عذاب الیم می‌گردند: "صَبْرًا بَنِي الْكَرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُوسِ وَ الضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ الْوَاسِعَةِ وَ النَّعِيمِ الدَّائِمَةِ، فَأَيُّكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يَنْتَقِلَ مِنْ سِجْنٍ إِلَى قَصْرٍ، وَ مَا هُوَ لِأَعْدَائِكُمْ إِلَّا كَمَنْ يَنْتَقِلُ مِنْ قَصْرِ إِلَى سِجْنٍ وَ عَذَابٍ...؛ شکیبایی کنید ای فرزندان مردان بزرگوار، مرگ تنها پلی است که شما را از ناراحتی‌ها و رنج‌ها به باغ‌های وسیع بهشت و نعمت‌های جاودان، منتقل می‌کند، کدام‌یک از شما از انتقال یافتن از زندان به قصر ناراحتید؟! اما نسبت به دشمنان شما همانند این است که، شخصی را از قصر به زندان و عذاب منتقل کنند..." (شیخ صدوق، ۱۳۷۷، ص ۲۸۹)

۱-۴-۲- مرگ مانند کندن لباس از تن

در حدیثی وارد شده است که از مولا زین العابدین علیه السلام سوال کردند که مرگ چیست حضرت در پاسخ فرمود مرگ برای مومن مانند کندن لباس چرکین و پر حشرات است و گشودن غل و زنجیرهای سنگین و تبدیل آن به فاخرترین لباس‌ها و خوشبوترین عطرها و راه وارترین مرکب‌ها و مناسبترین منزل هاست و مرگ برای کافر مانند کندن لباس فاخر و انتقال از منزل‌های مورد علاقه و تبدیل آن به چرک‌ترین و خشن‌ترین لباس‌ها و وحشتناک‌ترین منزل‌ها و بزرگترین عذاب است." (شیخ صدوق، ۱۳۷۷، ص ۲۸۹)

۱-۴-۳- مرگ همانند خواب

در آیات قرآن کریم و سخنان اولیای دین، مرگ و حیات به خواب و بیداری تشبیه شده، آثار بیداری همانند حیات، اغلب مثبتات است؛ مانند: فکر کردن، تصمیم گرفتن، سخن گفتن، اشاره کردن،

جوید و زمینه آسایش را برای خود فراهم سازد. بنابراین، یکی از راه کارهای تقویت مرگ اندیشی، یادآوری سختی هایی است که آدمی در هنگام جان دادن با آن روبه رو می شود. در قرآن تعبیرهای تکان دهنده ای از آن لحظه آمده است، مانند: "وَجَاءَت سَكْرَةُ الْمَوْتِ؛ هنگام بی هوشی و سختی مرگ فرار رسید". (سوره ق: ۱۹)

در برخی منابع آمده است: "سکره الموت"؛ حالتی که شدت مرگ بر عقل غالب می شود و هوش از سر می رود.

- چگونگی جان دادن خوبان: ذکر حالت جان دادن خوبان در قرآن و روایات و این که مومنان و صالحان هنگام مرگشان مورد رحمت و تکریم الهی قرار گرفته اند و فرشتگان با عزت و احترام جان آنها را می ستانند، جلوه های زیبایی از تشویق در فرهنگ اسلامی است تا اندیشه خفته مرگ اندیشان را بیدار سازد و آنان را به تحرک و تلاش برای دستیابی به پاداش خوبان وا دارد.

خداوند در قرآن می فرماید: "همان ها که فرشتگان [مرگ] روحشان را می گیرند، در حالی که پاک و پاکیزه اند، به آنها می گویند: سلام بر شما! وارد بهشت شوید به دلیل اعمالی که انجام داده اید". (سوره فصلت: ۳۰)

روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم): "فرشته مرگ هنگام مردن مومن، نزد وی آن گونه می ایستد که برده ای ذلیل نزد مولایش می ایستد و نزدیک نمی شود تا نخست بر او سلام کند و به او بشارت بهشت دهد"

- چگونگی جان دادن بدان: خداوند برای غافلان از مرگ، چگونگی جان دادن بدکاران و کافران را این گونه بیان می کند: "وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ أَدْبَارَهُمْ وَ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ؛ اگر سختی حال کافران را ببینی، هنگامی که فرشتگان جان آنان را می گیرند و بر روی پشت آنان می زنند و به آنها می گویند: بچشید، طعم عذاب سوزنده را... .

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: "مرگ برای انسان کافر، مانند نیش زدن مارهای بزرگ و عقب راندن او بدتر از اینهاست". (مظفری و رسی، ۱۳۸۸، ص ۸۰)

۳-۲- راه های عملی

۳-۲-۱- زیارت اهل قبور

حضور در قبرستان ها یادآور خاطرات کسانی است که، تا چندی قبل با زیارت کنندگان در این دنیا زندگی می کردند و اینک در وادی خاموشان، خانه عزلت و تنهایی اختیار کرده اند. اگر زیارت قبور با توجه قلبی و باطنی انجام پذیرد، به طور حتم بر انسان اثر می گذارد و مایه عبرت و بیداری او می

شود. (مظفری ورسی، ۱۳۸۸، ص ۹۸)

زیارت اهل قبور نه تنها انسان را به یاد مرگ می‌اندازد بلکه باعث آمرزش گناهان میت و خود زائر قبر می‌گردد. حضرت علی (علیه السلام) در مورد علت زیارت قبور فرمودند: "أَنَّهُ رَخَّصَ فِي زِيَارَةِ الْقُبُورِ وَ قَالَ: تَذَكَّرُكُمْ الْآخِرَةَ؛ رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) رفتن، به زیارت مردگان را اجازه دادند و بعد از آن حضرت فرمودند: رفتن به قبرستان ها و زیارت گذشتگان شما را به یاد مرگ و آخرت می‌اندازد".

امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: "اگر کسانی که در گورستان قرار گرفته‌اند، در نظر خود مجسم کنید و یا پرده ها کنار رفته و آنان را ببینید، در حالی که گوش‌های آنان را حشرات و کرم‌ها خورده و کر شده اند. چشم هایشان به جای سرمه پر از خاک گردیده و فرو رفته اند، زبان‌هایی که با سرعت و فصاحت سخن می‌گفتند، قطعه قطعه گردیداند، قلب‌ها در سینه‌ها پس از بیداری به خاموشی گراییده، و در هر یک از اعضای آنان پوسیدگی تازه‌ای آشکار گشته و آنان را زشت ساخته، و راه آفات به سوی اجسامشان به آسانی گشوده شده است. سپس آن حضرت می‌فرماید: همه تسلیم هستند، نه دستی برای دفاع دارند و نه قلبی که به آن جزع کنند، آری هنگامی که اینان را در نظر مجسم سازی قلب-های پر غم و چشمانی پر خاشاک را می‌بینی که از هر نظر بیچاره‌اند، همان بیچارگی که از آن‌ها دور نمی‌شود و شدت و اضطرابی که برطرف نمی‌گردد. چقدر زمین اجساد عزیزان خوش سیما را که در دنیا با غذاهای لذیذ و رنگی پرورش یافتند و در آغوش ناز و نعمت بزرگ شدند به کام خود فرو برده، همان‌هایی که می‌خواستند با شادی و خوشحالی، غم‌ها را از دل بزدایند، و به هنگام مصیبت برای از بین نرفتن شادابی و طراوت زندگی و سرگرمی‌های بیهوده آن، به لذت و خوشی زودگذر دنیا پناه می‌بردند". (محمدی نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶-۱۳۵)

۳-۲-۲- شرکت در تشییع جنازه

در آموزه‌های دینی، شرکت در تشییع جنازه مومنان، عملی مستحب خوانده شده است؛ زیرا شرکت در تشییع جنازه از یکسو احترام گزاردن به میت و بازماندگان اوست و از سوی دیگر، عاملی برای اندیشیدن در سرنوشت خویش است که روزی این گونه روی دست دیگران قرار خواهد گرفت. (مظفری ورسی، ۱۳۸۸، ص ۹۶)

رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: "إِذَا دُعِيتُمْ إِلَى الْعُرْسَاتِ فَأَبْطُوا فَإِنَّهَا تَذَكَّرُ الدُّنْيَا وَ إِذَا دُعِيتُمْ إِلَى الْجَنَائِزِ فَاسْرِعُوا فَإِنَّهَا تَذَكَّرُ الْآخِرَةَ؛ هنگامی که به جشن‌های عروسی دعوت شدید با سختی قبول کنید و با تأخیر بروید، به خاطر آن که عروسی‌ها شما را به یاد دنیا می‌اندازد و زمانی که برای جنازه‌ها و کارهای مردگان دعوت شده‌اید، با سرعت و با عجله بروید، به خاطر آن که

این کارها شما را به یاد مرگ و آخرت می‌اندازد" (محمدی نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۳۳)
رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: "عَوِّدُوا الْمَرْضَى وَاتَّبِعُوا الْجَنَائِزَ يُذَكِّرْكُمْ الْآخِرَةَ؛ به عیادت و ملاقات بیماران و تشییع جنازه‌ها بروید، به علت آن که شما را به یاد مرگ و قیامت می‌اندازد". (همان، ۱۳۸۷، ص ۲۶۶)

مرحوم فیض کاشانی می‌گوید: "در تشییع جنازه حاضر شو و درباره وضعیت آن میت فکر کن، که چگونه خانواده خود را تنها گذاشته است، اموال خود را رها کرده و با دست خالی می‌رود، این فقط اعمال اوست که او را همراهی می‌کند، تفکر کن که چگونه او در میان خاک می‌خوابد، چگونه تمام نیروی جوانی خود را از دست داده و چگونه تمام اعضای بدن او از کار افتاده است. بدان که سفر نزدیک است و پشیمانی‌ها فرا می‌رسد، در حالی که نفع ندارد و با این تفکر خود را برای عمل صالح آماده کن". (مظفری و رسی، ۱۳۸۸، ص ۹۸)

۴- نتیجه گیری

مرگ به معنای نابودی و از دایره هستی خارج شدن نیست، بلکه عبارت است از؛ تغییر حالت برای بدن و جدایی روح از آن است. وقتی خدای تعالی به انسان، هستی می‌دهد، هستی محدود می‌دهد، از همان اولین لحظه تکوینش تا آخرین لحظه زندگی دنیائیش و تمامی خصوصیات که در طول این مدت به خود می‌گیرد و رها می‌کند، همه از لوازم آن محدودیت است، که یکی از آن خصوصیات مرگ اوست، پس مرگ انسان مانند حیاتش، به تقدیری از خداست، نه این که خدا نتوانسته انسان را برای همیشه آفریده باشد.

در متون و بینش اسلامی، تعبیرات مختلفی پیرامون حقیقت مرگ وجود دارد که از آن جمله: مرگ پلی برای انتقال به عالم آخرت، مرگ مانند کندن لباس از تن است، مرگ همانند خواب است یا همانند بوی خوش و یا نیش زدن افعی است، که در تمام این تعبیرات در یک جهت مشترک‌اند و آن این که مرگ، فنا و نابودی نبوده بلکه انتقال از خانه‌ای به خانه دیگر است.

زندگی انسان سراسر غفلت است و چیزی که انسان را از این غفلت نجات می‌دهد، یاد مرگ است؛ زیرا یاد مرگ انسان را از گناه دور کرده و باعث تذکر و تنبیه می‌شود، که هدف را فراموش نکند و اعمال و تصمیم‌های خویش را با توجه به هدف تنظیم کند. به یاد مرگ بودن، یکی از عوامل بسیار مهم و تاثیرگذار در رشد و تکامل اخلاقی آدمی است؛ زیرا انسانی که همواره به یاد مرگ باشد، ظواهر فریبنده دنیا او را از مسیر حق و حقیقت منحرف نمی‌سازد. پس توجه به این امر از اهمیت خاصی برخوردار بوده تا جایی که، جهت زندگی را مشخص می‌کند و زمینه را برای خودسازی و آمادگی

برای مرگ، به وجود می‌آورد.

یاد مرگ آثار فردی فراوانی دارد که از آن جمله: کاستن از شهوت و سرکشی‌های نفس، از بین رفتن آرزوهای طولانی، بی رغبتی به دنیا، جلوگیری از انجام کارهای بیهوده، تحمل بلاها و مصیبت‌ها، تنب و بیداری، ایجاد روحیه قناعت، انجام فریضه وصیت و مبادرت بر توبه که یکی از بهترین و امید بخش ترین آثار نیک مرگ اندیشی است؛ زیرا با توبه انسان دل را متوجه خداوند می‌کند و از اعمال ناپسند دست کشیده با سوز، شوق و دگرگونی عمیق، درون خود را بازسازی می‌کند.

انسانی که به یاد مرگ نیست، دل بستگی به دنیا در او زیاد می‌شود و به مرگ و زندگی پس از آن کمتر می‌اندیشد غرایز در او طغیان کرده که باعث حب بقاء، حب کمال و لذت جویی می‌شود، چنین انسانی هنگام فرارسیدن مرگشان دلهره و اضطراب به سراغشان آمده و به خاطر عواقب گناهی که مرتکب شده اند به بخشش الهی بدبین و ناامید می‌شوند و از قدم گزاردن در جهان آخرت هراسند و هنگام جدا شدن از این دنیا گویا سفری بی‌هدف و نامعلوم و آزاردهنده‌ای را آغاز می‌کنند اینان کسانی هستند که در همین دنیا عذاب‌های آخرت را مهیا و آماده می‌کنند.

راه‌هایی برای تقویت مرگ اندیشی وجود دارد، از آن جمله؛ مرگ باوری، اندیشه در سرنوشت و مرگ دیگران، مطالعه پیوسته آیات و روایات مربوط به مرگ، شرکت در تشییع جنازه و زیارت اهل قبور، که به واسطه آن انسان می‌تواند به آثار یاد مرگ رسیده و از پیامدهای آن دوری کند.

منابع و مأخذ

*قرآن کریم

- ۱- امین، سید مهدی، مرگ و برزخ از دیدگاه قرآن و حدیث، بیان جوان، قم، ۱۳۸۹.
- ۲- جوادی آملی، عبدالله، صورت و سیرت انسان در قرآن، نشر اسراء، قم، ۱۳۸۱.
- ۳- حرانی، حسن بن علی بن شیعیه، تحف العقول، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ۴- دشتی، محمد، نهج البلاغه، سادات رضوی، قم، ۱۳۹۰.
- ۵- رحیمی، عباس، از فردا چه خبر؟، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۷.
- ۶- زاهدی، محمد رضا، یاد مرگ و آثار آن از دیدگاه قرآن و روایات، فصلنامه پژوهشی تامل، سال سوم، ۱۳۹۷.
- ۷- زمانی، احمد، حقایق پس از مرگ، موسسه فرهنگی و هنری مشعر، قم، ۱۳۹۱.
- ۸- سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی، خصایص الائم، آستان مقدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۶ ه.ق.
- ۹- شعبانی مفرد، محمد جواد، زیبایی مرگ در کلام عارفان، موج علم، قم، ۱۳۸۹.

- ۱۰- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، التوحید، علی اکبر میرزایی، علویون، قم، ۱۳۸۸.
- ۱۱- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، معانی الاخبار، عبدالعلی محمدی شاهرودی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۲- طاهری، حبیب الله، ۵۰ درس پیرامون عالم پس از مرگ، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۶.
- ۱۳- طاهری، حبیب الله، درسهایی از اخلاق اسلامی، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۳.
- ۱۴- عالی، حجت الاسلام مسعود، احتضار و عالم قبر، عطش، قم، ۱۳۹۲.
- ۱۵- فربودی، مهدی، طعم مرگ، حضرت بقیه الله (عج)، قم، ۱۳۸۶.
- ۱۶- کاشانی، مولی محسن، راه روشن، محمد صادق عارف، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۳۷۹.
- ۱۷- کراجکی، ابوالفتح محمد بن علی، کنز الفوائد، انتشارات دارالذخائر، قم، ۱۴۱۰ه.ق.
- ۱۸- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۶.
- ۱۹- مازندرانی، محمد شفیع، زندگی برزخی و ارتباط با برزخ نشینان، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۷.
- ۲۰- محدثی، جواد، درسنامه اخلاق، انتشارات بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم، ۱۳۹۰.
- ۲۱- محمدی‌ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، حمید رضا شیخی، انتشارات دارالحديث، تهران، ۱۳۷۰.
- ۲۲- محمدی نیا، اسد الله، لحظه جان دادن، سبط اکبر، قم، ۱۳۸۷.
- ۲۳- مطهری، شهید استاد مرتضی، حکمت‌ها و اندرزها، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۸.
- ۲۴- مظفری ورسی، محمد حیدر، مرگ اندیشی در آموزه های اسلامی، پژوهش های اسلامی صدا و سیما، قم، ۱۳۸۸.
- ۲۵- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، قم، ۱۳۷۴.
- ۲۶- مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۴.
- ۲۷- ملکی تبریزی، میرزا جواد، اسرار الصلاه، رضا رجب زاده، پیام آزادی، قم، ۱۳۷۸.
- ۲۸- نراقی، علامه ملا مهدی، ترجمه کامل جامع السعادات، کریم فیضی، قائم آل محمد (صل الله علیه و اله و سلم)، قم، ۱۳۸۵.